

فرهنگ سازی قرآن پیرامون پیشگیری از انحرافات جنسی

حمزه حاجی^۱

چکیده

قرآن کریم، به عنوان آخرین و جامع‌ترین کتاب آسمانی، از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی بالایی در حوزه‌های مختلف از جمله پیشگیری از رذایل اخلاقی به منظور سالم‌سازی فرد و جامعه برخوردار است. یکی از رذیلت‌های اخلاقی چالش‌زا که گسترش و فراگیری آن از عوامل مهم سقوط و تباهی هر جامعه‌ای به شمار می‌آید، انحرافات جنسی است که به جهت پیامدهای جسمی و روحی این انحرافات، قرآن با رویکردی پیشگیرانه و با ظرافت و موشکافی خاصی در صدد پیشگیری از وقوع آنها بر آمده است. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل نحوه فرهنگ‌سازی قرآن در راستای پیشگیری از انحرافات جنسی می‌باشد. پژوهش در آیات مرتبط با مسائل جنسی این نتیجه را به دست می‌دهد که قرآن کریم به شیوه‌های مختلف و متنوعی از قبیل تشویق و ترغیب به رفتار و کردار پسندیده، معرفی الگوهای خوب، بیان قصص و داستان‌های عبرت‌آمیز، تکریم ارزش‌ها و انسان‌های پاکدامن، نكوهش ضد ارزش‌ها و ناهنجاری‌ها و بهره‌گیری از عرف و افکار عمومی به فرهنگ‌سازی جهت پیشگیری از بروز انواع انحرافات جنسی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

قرآن، فرهنگ‌سازی، انحرافات جنسی، ناهنجاری جنسی، عفت و پاکدامنی، پیشگیری.

^۱ استادیار گروه الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

طرح مسأله

غریزه جنسی یکی از نیازهای مهم فطری و طبیعی انسان است که بقای نسل بشری، آرامش جسمی و روحی و سعادت مادی و معنوی انسان منوط به ارضای درست و مشروع آن می‌باشد. انحراف در بر آورده کردن این نیاز، پیامدها و آثار زیانبار دنیوی و اخروی برای فرد، خانواده و جامعه در پی دارد. انحرافات جنسی اگرچه به درازای تاریخ چالش برانگیز بوده‌اند؛ اما با توجه به گسترش و تنوع وسایل ارتباطی در عصر حاضر، خطرات و آسیب‌های آنها به لحاظ کمی و کیفی رو به فزونی نهاده و کشورهای استعمارگر و سلطه‌طلب به منظور نفوذ همه‌جانبه، براندازی نرم و تأثیرگذاری بر سرنوشت ملت‌ها به ترویج و اشاعه انواع انحرافات در میان جوامع مختلف و بویژه در بین جوانان می‌پردازند. قرآن کریم، هم به لحاظ اینکه به مسائل فرهنگی و مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی اهتمام خاصی نشان داده و پاسخگوی دغدغه‌ها و نیازهای بشر در این خصوص می‌باشد و هم به لحاظ اینکه مهم‌ترین منبع و سرچشمه مباحث اخلاقی می‌باشد، بخش قابل توجهی از آموزه‌های خود را به غریزه جنسی و مسائل مرتبط با آن از جمله پیشگیری از انحرافات جنسی اختصاص داده است. آیات قرآن مشتمل بر بیان انواع و مصادیق مختلف انحرافات جنسی، علل و عوامل بروز آنها، پیامدهای مادی و معنوی این انحرافات و ارائه راهکارهایی جهت جلوگیری از وقوع آنها می‌باشند. با توجه به اینکه رویکرد قرآن در مواجهه با انحرافات جنسی، پیشگیری از وقوع آنهاست، فرهنگ‌سازی در این زمینه کارآیی منحصر به فردی دارد. پژوهش حاضر، با استناد به آیات قرآن در صدد پاسخ به این سوالات است که مهم‌ترین مصادیق انحرافات جنسی که قرآن کریم بدانها پرداخته است، کدامند؟ قرآن به منظور پیشگیری از انحرافات جنسی چه الگوها و داستان‌های عبرت‌آموزی را برای مردم بیان نموده است؟ ارزش‌ها و هنجارهای مذکور در قرآن در زمینه امور جنسی چه تأثیری بر فرهنگ‌سازی در پیشگیری از انحرافات جنسی دارند؟ آیا قرآن از عرف و افکار عمومی در راستای فرهنگ‌سازی جهت پیشگیری از بروز انحرافات جنسی بهره برده است؟

۱. معنا و مفهوم انحرافات جنسی

ارائه تعریفی جامع و مانع از انحرافات جنسی از معیار و ملاک‌های دقیق و جهانی پیروی نمی‌کند و در این زمینه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، زیست‌شناسان و علمای علم اخلاق با یکدیگر توافق کامل و کلی نداشته و هر یک متناسب با فرهنگ و باورهای خود به تعریف آن پرداخته‌اند؛ روانشناسان، انحرافات جنسی را عبارت از آن دانسته‌اند که فرد از حالت تعادل روانی و رفتاری خارج شود که این امر، خود ناشی از به هم خوردن وحدت درون است که جامعه‌شناسان آن را نوعی رفتار تبه‌کارانه خلاف موازین اجتماعی مورد قبول دانسته‌اند که وجودش را برای دوام نظام اجتماعی و عدالت، زیان‌بخش می‌دانند. (ر.ک: مروتی و همکاران، ۱۳۹۳، ۹۵) جامعه-

شناسان چنانچه روش‌های لذت یا ارضای جنسی مورد قبول و تصویب جامعه نباشد آن را انحراف جنسی می‌دانند. زیست‌شناسان در روابط جنسی فقط به تولید مثل و بقای نوع توجه دارند و هرگونه آمیزش جنسی که در راه نیل به این هدف نباشد از نظر آنها انحراف جنسی محسوب خواهد شد. از نظر اخلاقی، به هر نوع ارضای جنسی که مورد نکوهش قرار گیرد و بلا فاصله به فرد احساس ندامت دست بدهد، انحراف جنسی گفته می‌شود. (ستوده، ۱۳۸۷، ۱۷۳) با عنایت به مفهوم آیات پنج تا هفت سوره مومنون، هر نوع رفتار و رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج و ضوابط شرعی، انحراف جنسی است. لذا هرگاه گزینه جنسی، به طور فطری و طبیعی و از راه مشروع ارضا نگردد و خارج از حدود و ضوابط شرعی باشد، انحراف جنسی قلمداد می‌گردد. در مورد انواع و مصادیق این انحرافات میان محققان و صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد و اختلاف دیدگاه‌ها در این زمینه بسیار مشهود است.^۱ در منطق قرآن کریم، زنا (إسراء/ ۳۲؛ نور/ ۲-۳؛ فرقان/ ۶۸؛ ممتحنه/ ۱۲) و لواط (هم‌جنس‌بازی مردان) (شعراء/ ۱۶۵-۱۶۶؛ اعراف/ ۸۰-۸۱) مهم‌ترین مصادیق انحرافات جنسی هستند که صراحتاً در چندین آیه به تقبیح و نکوهش آن دو پرداخته شده است؛ حال آنکه در بسیاری از مکاتب، از زنا به عنوان انحراف جنسی یاد نمی‌شود و هم‌جنس‌بازی نیز، امری قانونی و مورد حمایت دولت‌هاست. مطابق برخی روایات، مصداق آیه هفتم سوره مومنون، خودارضایی می‌باشد. (طبری، ۱۴۱۲، ۱۸/ ۴-۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸/ ۳۶۴) و اصطلاح «أصحابُ الرِّسِّ» (فرقان/ ۳۸؛ ق/ ۱۲)، به مساحقه (هم‌جنس‌بازی زنان) اشاره دارد. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/ ۵۱۱؛ ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹، ۴/ ۱۰۱) از نگاه به نامحرم و چشم‌چرانی نیز نهی گردیده و بر حفظ عورت بسیار تاکید شده است. (نور/ ۳۱-۳۲؛ معارج/ ۲۹) و هر نوع آزاررسانی به خود و دیگران اعم از جنسی و غیر جنسی ممنوع می‌باشد. (بقره/ ۲۲۲؛ احزاب/ ۵۸-۵۹؛ ابن‌حنبل، بی‌تا، ۱/ ۳۱۳) همچنین، مبدل پوشی و تشبیه زن و مرد به همدیگر، به شدت مورد نهی شارع قرار گرفته است. (طبری، ۱۴۱۲، ۵/ ۱۸۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۵/ ۵۵۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۲/ ۲۲۴) در برخی آیات قرآن نیز، به طور کلی از هر گونه فساد، منکر و فحشاء

۱. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان عمده‌ترین انحرافات جنسی را عبارت می‌دانند از: مازوخیسم و خودآزاری جنسی (Masochism)، سادیسم و دیگرآزاری جنسی (Sadism)، عورت‌نمایی (Exhibitionism)، خودارضایی (Masturbation)، همجنس‌بازی (Homosexual)، چشم‌چرانی (Voyeurism)، یادگارخواهی (Fetishism)، بچه‌بازی (Pedophilia)، حیوان‌خواهی (zoophilia)، مرده-خواهی (necrophilia)، مالش‌دوستی (frotteurism)، مبدل‌پوشی (Transvestism). (ر.ک: ستوده، ۱۳۸۷، ۱۷۳-۱۸۰؛ محسنی، ۱۳۸۶، ۱۹۳) در فرهنگ اسلامی تمامی این موارد، به صورت موردی و یا کلی مورد نهی قرار گرفته و عواقب و پیامدهای ناگوار آنها گوشزد شده است.

نهی شده است که انحرافات جنسی هم، از جمله مصادیق هر یک از این مفاهیم می‌باشد. (بقره/ ۲۰۵؛ قصص/ ۷۷؛ روم/ ۴۱؛ أنعام/ ۱۵۱؛ اعراف/ ۳۳ و ۱۵۷؛ عنکبوت/ ۲۹ و ۴۵؛ نحل/ ۹۰؛ نور/ ۱۹)

۲. فرهنگ‌سازی قرآن جهت پیشگیری از انحرافات جنسی

فرهنگ، یکی از فاکتورهای مهم برای پی بردن به انسانیت بشر است و شخصیت هر انسانی بر اساس فرهنگ او سنجیده می‌شود. همچنین فرهنگ هر جامعه‌ای به عنوان مهم‌ترین معیار ارزیابی آن جامعه و مبین میزان رشد و تکامل آن به شمار می‌آید. بر این اساس، قرآن به مسائل فرهنگی توجه فراوانی نشان داده و اولویت ویژه‌ای برای آنها قایل است؛ زیرا آغاز نزول قرآن با امر به «خواندن» که یکی از عوامل مهم تشکیل دهنده فرهنگ و تمدن به شمار می‌آید، شروع شد تا ریشه چهل و نادانی را که منشأ بسیاری از انحرافات و آسیب‌های فردی و اجتماعی بود، بخشکاند.

بی‌تردید قرآن با ویژگی‌های اعجاز آمیزش، همواره بر زندگی مادی و معنوی پیروانش تاثیر شگرفی داشته و این ظرفیت و توانایی را دارد که حیات آنان را از هر نظر متحول سازد. تتبع در تاریخ اسلام نشان می‌دهد که هرگاه مسلمانان، زندگی خود را بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت تنظیم کرده، و به آن پایبند بوده‌اند، توانسته‌اند موفقیت‌های چشمگیری در همه عرصه‌ها به دست آورده و تاریخ‌ساز و حماسه‌ساز شوند و ظلم و فساد را برچیده و عدالت و آزادی را برای بشر به ارمغان آورند. بزرگ‌ترین شاهد این مدعا، عصر طلایی دوران رسول خدا (ص) است که به وسیله همین قرآن توانست از مردمانی که فاقد هرگونه نماد و نشانه فرهنگ و تمدن بودند، انسان‌های باسواد، اهل مدارا، مهربان، متحد، متدین، متعهد و با هویت و تعریف مشخص تحویل جامعه بشری دهد و فرهنگ و تمدنی پایه‌گذاری کند که تاریخ هیچگاه نظیر آن را به خود ندیده و نخواهد دید. پیامبر (ص) توانست در مدت بیست و سه سال تمامی نهادها و نشانه‌های بی-فرهنگی و بی‌تمدنی را با بصیرت و حکمت به وسیله قرآن به نهادها و نشانه‌های نظری و عملی فرهنگ و تمدن تبدیل و جایگزین سازد و شجره طیبه فرهنگ و تمدن اسلامی را که زندگی واقعی انسانی - اسلامی بر آن استوار گشته است، جاودانه نماید، زندگی‌ای که از هرگونه ضلالت، انحراف و آسیب‌های فردی و اجتماعی تهی باشد. تردیدی نیست که بازگشت به قرآن و حدیث به عنوان دو یادگار ارزشمند آن حضرت (ص)، این ظرفیت و توانایی را در جامعه بوجود می‌آورد که کجروی‌ها، انحرافات، ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها را به هدایت، هنجارگرایی و ارزش‌مداری تبدیل کرده و افراد و جامعه را از آلوده شدن به انحرافات و آسیب‌ها مصون دارد. برخی از محورهایی که قرآن آنها را بیان داشته و کارکرد مهمی در فرهنگ‌سازی و جایگزین‌سازی ارزش‌ها و هنجارها به عنوان یک راهبرد در پیشگیری و مبارزه با انحرافات جنسی دارند، به شرح

ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند؛

۲-۱. فرهنگ‌سازی از طریق تشویق و ترغیب به رفتار و کردار پسندیده

یکی از شیوه‌هایی که قرآن برای فرهنگ‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای خوب در میان افراد و جامعه به کار برده است، ترغیب و تشویق آنان به رفتار و کردار نیکو و انجام عمل صالح می‌باشد که با حاکم شدن چنین فرهنگی، طبیعتاً شرایط برای انجام امور زشت و ناپسند و انحرافات و آسیب‌های فردی و اجتماعی متناسب نخواهد شد و بدین طریق فرد و جامعه از آلوده شدن به آنها در امان می‌مانند. براین اساس، دین برای افراد مؤمن، نیکوکار و به طور کلی کسانی که دستورها و هنجارهای دینی مربوط به اندیشه و عمل را به خوبی رعایت می‌کنند، متناسب با میزان پایداری آنان بر هنجارهای مذکور، پاداش‌هایی معرفی می‌نماید که اعم از پاداش دنیوی و اخروی هستند. در درون طبیعت و فطرت انسان نیازهای متنوعی وجود دارد که با تامین آنها، انسان احساس آرامش، خوشی و لذت می‌نماید و در صورت عدم تأمین، دچار ناآرامی و ناخوشی می‌گردد. از همین جهت انسان نسبت به رفتار و عملی که مقرون به پیامد خوشایند است، رغبت داشته و از عملی که پیامد ناخوشایند را به دنبال دارد گریزان است. بنابراین، آموزه‌هایی از دین که درباره پاداش و عقوبت بیان شده‌اند در صورت درونی شدن می‌توانند آدمی را به سوی کارهای شایسته که مقرون به پاداش‌های مورد انتظار است، سوق دهند و از کارهای ناشایست که همراه با عقوبت مورد انتظار است، باز دارند؛ به عبارت دیگر، انسان را به رعایت ارزش‌ها و هنجارها و دوری از انحراف وادار می‌نمایند. (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۱، ۱۸۶-۱۸۷) آیات و روایات در برگیرنده انواع تشویق هستند که نوع آنها با توجه به نوع رفتار و کرداری که از انسان سر می‌زند متفاوت می‌باشد. (ر.ک: اخلاقی، ۱۳۹۰، ۱۳۹-۱۴۸) در بسیاری از موارد، تشویق و ترغیب قرآن به صورت غیر کلامی و با دادن پاداش یا چیزی و یا مقامی که مورد پسند و خوشایند تشویق شونده می‌باشد صورت گرفته است، این تشویق‌ها را می‌توان به دو دسته پاداش دنیوی و پاداش اخروی تقسیم نمود؛

الف) پاداش‌های دنیوی

در برخی آیات قرآن، خداوند به مردم وعده داده است که در صورت ایمان و پایبندی به لوازم آن که همان عمل صالح و تقوا و پرهیزکاری است نه تنها به آنان اجر و پاداش معنوی می‌دهد؛ بلکه آنان را از نعمت‌های دنیایی نیز، بهره‌مند می‌سازد و بدین صورت آنان را مورد تشویق قرار داده و می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/ ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آنها حق را) تکذیب کردند ما

هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. بر این اساس، چنانچه افراد جامعه‌ای به طور عموم در مقام ایمان و پرهیزکاری بر آیند و حقوق یکدیگر را رعایت کنند و بر یکدیگر ظلم و ستم نمایند و اعراض و اموال یکدیگر را محترم شمرند، ناگزیر عدالت در زندگی آن جامعه و اجتماع فرمانروا خواهد بود، پروردگار نیز برکات آسمانی را بر آنان نازل می‌نماید و درهای رحمت را بروی آنان از هر سو می‌گشاید از جمله باران‌های نافع و تغییرات جوی است که مناسب با رشد و نمای کشتزارها و محصولات آنها باشد بالاخره وفور نعمت از هر سو به آنها رو می‌آورد و به رفاه زندگی خواهند نمود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۶/ ۴۳۲) بنابراین، اطلاق کلمه «أَلْفَتْحًا» که شامل کلیه خیرات و برکات آسمانی و زمینی می‌گردد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ۵/ ۲۷۷)، تشویقی است برای مردم که در صورت ایمان و تقوی و پرهیزگاری، خداوند آنان را از نعمت‌های دنیایی بهره‌مند خواهد ساخت و از جمله لوازم چنین ایمان و تقوایی، پرهیز از ارتکاب انحرافات جنسی است.

ب) پاداش‌های اخروی

با توجه به اینکه حیات اصلی و ابدی انسان در جهان آخرت است و برای مؤمنین زندگی آن جهان در اولویت ارزش قرار دارد و از طرفی مسلمانان به خدا و آخرت و وعده‌هایی که در این خصوص داده شده باور دارند، بیشتر تشویق‌های قرآن را پاداش‌های اخروی تشکیل می‌دهند. در این زمینه آیات فراوانی وجود دارند که در آنها خداوند به صورت مکرر انسان‌ها را به پاداش‌های معنوی و نعمت‌های بهشتی و زندگی پاک در آن جهان وعده می‌دهد. این وعده‌ها به آن خاطر است که این انسان‌ها در دنیا دارای ایمان و عمل صالح بوده (ر.ک: نساء/ ۱۲۴؛ مریم/ ۶۰؛ غافر/ ۶۰؛ بقره/ ۸۲؛ اعراف/ ۴۲-۴۳؛ هود/ ۳۳؛ عنکبوت/ ۵۸؛ شوری/ ۲۲؛ فرقان/ ۱۵؛ حدید/ ۲۱؛ زخرف/ ۷۲؛ احقاف/ ۱۴-۱۶) و در راه خدا با مال و جان‌شان جهاد نموده (توبه/ ۱۱۱) و از هر گونه شرک و گناه پاک بوده‌اند (نحل/ ۳۲) و نیکوکاری کرده‌اند (یونس/ ۲۶) و صبر به خرج داده (انسان/ ۱۲؛ آل عمران/ ۱۴۲) و تقوی پیشه نموده‌اند. (زمر/ ۷۳؛ محمد/ ۱۵؛ مریم/ ۶۳؛ شعراء/ ۹۰؛ ق/ ۳۱؛ آل عمران/ ۱۳۳)

در دسته دیگری از آیات اعلام می‌دارد که خداوند محسنین و نیکوکاران را دوست دارد. (آل عمران/ ۱۴۸) و به کسانی که خواهان عاقبت به خیری خود هستند وعده می‌دهد که «وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ» (آل عمران/ ۱۴)؛ و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. و به کسانی که عاشق حشر و نشر و رفاقت با انبیاء، صدیقان، شهدا و صالحان هستند توصیه می‌کند که از خدا و رسول (ص) اطاعت کنند. (نساء/ ۶۹) و در چندین آیه به منظور ریشه‌کنی و یا کاهش فقر و نداری که منشأ بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات است، وعده می‌دهد کسانی که زکات می‌دهند و صدقه و خیرات می‌کنند و قرض نیکو به خدا می‌دهند، گناهانشان بخشوده می‌شود و اجر نیکو و کریم و چندین برابر آنچه خرج کرده‌اند به آنان داده خواهد شد و سرانجام وارد

بهشت خواهند گشت. (مائده/ ۱۲؛ بقره/ ۲۴۵؛ حدید/ ۱۱ و ۱۸؛ تغابن/ ۱۷)

همچنین در سوره فرقان بعد از ذکر صفات و ویژگی‌های «عباد الرحمن» از سه نوع انحراف و آسیب اجتماعی بزرگ - شرک، قتل و زنا - نام می‌برد که هر کس مرتکب آنان بشود کیفر و مجازات و عقوبت سختی خواهد دید ولی در آیات بعد، به منظور پاکسازی جامعه از این آسیب‌ها و نیز مرتکبان آنها، تشویق و وعده‌های بزرگی به تارکان آنها می‌دهد و می‌فرماید «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان/ ۷۰)؛ مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است. این تشویق که در نوع خود در قرآن بی‌نظیر است برای منحرفان بسیار امیدبخش است که در صورت توبه و تلاش در راستای جبران مافات با ایمان و عمل صالح، می‌توانند هم گذشته آلوده خود را پاک نمایند و هم به لحاظ فردی و اجتماعی جایگاه و پایگاه دیگری پیدا کنند و در واقع تولدی نو برای این افراد به شمار می‌آید.

یکی دیگر از تشویق و ترغیب‌های قرآن که حاکی از امنیت مادی و معنوی انسان است با تعبیر «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» بیان شده که با همین صیغه، دوازده مرتبه در سوره‌های مختلف قرآن و به مناسبت‌های گوناگون و درباره اشخاص متعدد تکرار شده است، از جمله کسانی که به دنبال هدایت خداوند هستند (بقره/ ۳۸) و ایمان و عمل صالح انجام می‌دهند (مائده/ ۶۹؛ بقره/ ۶۲) و علاوه بر این، نماز و زکات را به جای می‌آورند (بقره/ ۲۷۷) و اموالشان را شب و روز به صورت پنهان و آشکار در راه خدا انفاق می‌نمایند (همان/ ۲۶۲ و ۲۷۴) و تسلیم خدا و نیکوکارند (همان/ ۱۱۲) و اهل ایمان و تقوی و اصلاح هستند (انعام/ ۴۸؛ اعراف/ ۳۵) و به ربوبیت الهی اقرار داشته و بر آن استقامت می‌ورزند (احقاف/ ۱۳) و اولیاء الله و دوستان واقعی خداوند متعال می‌باشند. (یونس/ ۶۲)

نکته دیگری که در مورد تشویق‌های قرآنی باید بدان اشاره نمود و تأثیر مهمی بر ایجاد انگیزه در میان افراد و مردم در انجام امور پسندیده و دوری از امور ناپسند دارد، آن است که قرآن میان انسان‌ها با توجه به عملکردشان تفاوت گذاشته و حتی به صورت کلی تصریح می‌کند که مثقال ذره‌ای از اعمال هیچ کس نادیده گرفته نخواهد شد. (نساء/ ۴۰؛ زلزله/ ۷؛ یونس/ ۶۱) و حتی به حسنات، از ده برابر تا هفتصد برابر و بیشتر پاداش داده می‌شود. (انعام/ ۱۶۰؛ بقره/ ۲۶۱ و ۲۴۵) علاوه بر این، در آیات دیگری تصریح می‌کند که کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند با گناهکاران مساوی نیستند (غافر/ ۵۸) و آنان در پیشگاه خدا مثل هم نمی‌باشند. (جاثیه/ ۲۱) همچنین پاک و پلیدی (مائده/ ۱۰۰)، خوبی و بدی (فصلت/ ۳۴)، دانایان و نادانان (زمر/ ۹)، مومن و فاسق (سجده/ ۱۸)، مجاهدان و ترک کنندگان جهاد (نساء/ ۹۵) برابر و

مساوی نیستند همان‌گونه که کور و بینا (انعام / ۵۰؛ هود / ۲۴؛ رعد / ۱۶؛ فاطر / ۱۹؛ غافر / ۵۸)، کر و شنوا (هود / ۲۴) تاریکی و نور (رعد / ۱۶) و مرده و زنده (فاطر / ۲۲) برابر و مساوی نمی‌باشند. تردیدی نیست، کسانی مشمول این پاداش‌ها و نعمت‌ها قرار می‌گیرند که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌اشان پرهیز از انواع انحرافات جنسی بوده و دامان خود را بدانها آلوده نسازند.

۲-۲. فرهنگ‌سازی از طریق معرفی الگوهای خوب

یکی از روش‌های قرآن کریم در فرهنگ‌سازی، ارائه الگوهای خوب و مناسب در زمینه‌های مختلف می‌باشد. قرآن الگوهای عینی و حسنه را برای هر چیزی که بشر به آن نیاز دارد، ارائه داده است؛ زیرا انسان‌ها دارای نیازهای متعددی می‌باشند که الگوی خوب و مناسب در هر زمینه - ای می‌تواند به تحقق فرهنگ مطلوب و سازنده در آن زمینه کمک نماید.

سبک بیان قرآن به گونه‌ای است که در کنار الگوهای خوب، به معرفی الگوهای بد نیز می‌پردازد؛ تا کسانی که ظرفیت و توانایی شناخت الگوهای خوب و پیروی از آنها را ندارند، الگوهای بد را بشناسند و از دنباله‌روی از آنان خودداری نمایند و بدین صورت در مسیر درست زندگی قرار گیرند. نمونه این شیوه فرهنگ‌سازی قرآنی را در سوره تحریم به وضوح می‌توان مشاهده کرد که خداوند زن نوح و زن لوط را به عنوان مثالی برای کسانی که راه کفر و نافرمانی را در پیش می‌گیرند، معرفی نموده و زن فرعون و مریم (ع) را برای کسانی که می‌خواهند در مسیر ایمان و فرمانبرداری حرکت کنند به عنوان الگو معرفی می‌کند. (تحریم / ۱۰-۱۲) برای جوانان دختر و پسر مجرد، حضرت یوسف (ع)، دختران حضرت شعیب (ع) و حضرت مریم (ع) را که نماد پاکی و عفت‌اند، معرفی می‌نماید. حضرت ایوب (ع) به عنوان الگوی صبر و استقامت و حضرت یعقوب (ع) به عنوان الگوی صبر جمیل و حضرت اسماعیل به عنوان نماد تسلیم مطرح می‌شود. نوح (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) به عنوان پیامبران اولوالعزم در دعوت به توحید، مبارزه با شرک و انحرافات الگوی بشر در اعصار مختلف بوده و هستند. لقمان به عنوان الگوی خردورزی و حکمت و پدری با احساس مسئولیت در برابر فرزندش و جوانان اصحاب کهف اسوه مهاجرت در راه خدا برای رشد و هدایت معرفی شده‌اند. در سوره انعام بعد از ذکر نام پیامبرانی همچون حضرت ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، الیاس، اسماعیل، یسع، یونس و لوط (ع) که یک یا چند جنبه از رسالتشان در قرآن برجسته شده تا الگویی برای بشر در آن مورد باشند، خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ أَقْتَدِهِ» (انعام / ۸۳-۹۰)؛ آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده پس به هدایت آنان اقتدا کن. نکته دیگر اینکه قرآن از میان الگوهایی که معرفی کرده به جامعیت و تاثیرگذاری آن الگوها برای بشر نیز، توجه داشته و لذا از بین همه الگوهایی که معرفی نموده؛ دو الگو را به صورت برجسته‌تر مطرح ساخته و تنها در مورد

آن دو، «اسوه حسنه» را به کار می‌برد، که حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص) می‌باشند. (ممتحنه/ ۴-۶؛ احزاب/ ۲۱)

قرآن کریم در معرفی الگوها برای فرهنگ‌سازی، گاه چهره‌های محبوب را با عناوین کلی معرفی می‌کند مانند: محسنین، توابین، متطهرین، متقین، صابرين، متوکلین، مقسطین و غیره که مصادیق زیادی از این نوع الگوها را می‌توان در آیه ۳۵ سوره احزاب مشاهده نمود. همان‌طور که چهره‌های بد و منفور را نیز، با عناوین کلی و عام به مردم معرفی می‌نماید مثل: مفسدین، معتدین، کافرین، ظالمین، مسرفین، خائنین، مستکبرین و غیره تا هر دو دسته از روی اختیار و اراده، الگوهای مد نظر خود را انتخاب و به آنان اقتدا نمایند؛ هر چند سرانجام و عاقبت سعادت‌مندان گروه اول و عاقبت شقاوت‌مندان گروه دوم را گوشزد نموده است.

نکته آخر اینکه قرآن برای هر دو قشر زن و مرد الگوهای مورد نیاز را معرفی نموده است، همچنین بیشتر الگوهای معرفی شده توسط قرآن، جوان هستند مانند بسیاری از پیامبران و اصحاب کهف و همین نکته در تأثیرگذاری آنان بر مردم نقش مهمی دارد؛ زیرا اولاً جوان به جهت دارا بودن غرایز قوی و قدرت جسمانی بالا، بیشتر در معرض گناه و انحرافات قرار دارد و وجود الگوها برای این قشر ضروری‌تر است و کسی که این دوره را به پاکی به سر ببرد بقیه دوران عمر آسان‌تر خواهد بود. ثانیاً بیشتر پیروان انبیاء از میان جوانان بوده‌اند و هر پیامبری که جوانان به وی لبیک گفته‌اند در انجام رسالتش موفق‌تر بوده است نمونه بارز آن را می‌توان پیامبر اسلام (ص) دانست و همین باعث می‌گردد که الگوی‌پذیری از الگوهای قرآنی بیشتر شود.

۳-۲. فرهنگ‌سازی از طریق بیان قصص و داستان‌های عبرت‌آمیز

شیوه دیگری که قرآن برای فرهنگ‌سازی به کار گرفته بیان قصص و داستان‌های گذشتگان است که خواندن و شنیدن آنها به جهت اینکه حاوی عبرت‌های مهم فرهنگی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره می‌باشند، بر مخاطبان بسیار تأثیرگذارند و در نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارهای درست و پسندیده نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ همان‌گونه که در طرد ضد ارزش‌ها و ناهنجاری‌ها کارکرد قابل ملاحظه‌ای دارند. تأثیرگذاری داستان‌های قرآن به دلیل ویژگی‌هایی است که این داستان‌ها دارند که از جمله آنها می‌توان به حق و حقیقی بودن (آل عمران/ ۶۲؛ انعام/ ۵۷)، عالمانه و آگاهانه بودن (اعراف/ ۷)، عبرت‌آمیز بودن (یوسف/ ۱۱۱) و دلداری و تسلی‌بخش بودن (هود/ ۴۹؛ کهف/ ۲۸؛ ص/ ۱۷) اشاره نمود.

ویژگی مهم دیگری که قصص قرآنی دارند و بر تأثیرگذاری آنها می‌افزاید این است که در آنها زمینه تفکر و تعقل فراهم است و این فرصت را به انسان می‌دهد تا با تأمل و تفکر در آنها به شناخت حقایق از بشر و نظام هستی دست یابد و از آنچه در آن قصه‌ها بیان شده عبرت گرفته و در مسیر اصلاح خود و جامعه گام بردارد. لذا در قرآن به پیامبر (ص) امر می‌کند که داستان‌ها را

برای تفکر و اندیشیدن مردم بازگو کن. (اعراف / ۱۷۶) و در پایان سوره یوسف می‌فرماید که در داستان و قصص یوسف و برادرانش پند و عبرتی برای عاقلان و خردمندان است. (یوسف / ۱۱۱) مطلب مهم دیگری که در قصص قرآنی وجود دارد تثبیت قلب و تقویت اراده مخاطبان می‌باشد. در سوره هود این امر در مورد پیامبر (ص) بیان شده و می‌فرماید «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ» (هود / ۱۲۰)؛ ما از هر یک از سرگذشت‌های انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم و اراده‌ات قوی گردد. بنابراین، وقتی بیان سرگذشت و داستان‌های پیامبران (ع) برای تثبیت و تقویت اراده پیامبر (ص) کارکرد داشته باشند به طریق اولی برای مسلمانان کارایی بیشتری دارند و وقتی پیامبر (ص) برای تثبیت قلبش به آنها نیاز داشته باشد نیاز مسلمانان و بویژه جوانان بدان‌ها بسیار بیشتر است.

چنانچه محتوای قصص قرآن که توحید و یکتاپرستی، سیره انبیا و صلح‌های الهی، دعوت به عبودیت و تقوی، پرهیز از شرک و خرافات و انحرافات، قوانین و سنت‌های الهی، صبر و استقامت، ارزش‌های اخلاقی و غیره می‌باشد را در معنای آیه فوق که هدف از قصص را تثبیت و تقویت اراده قلب‌ها می‌داند، در نظر بگیریم این نتیجه به دست می‌آید که قصص قرآنی برای تثبیت ارزش‌ها و هنجارهای فوق نازل شده‌اند و لذا یکی از مؤثرترین عامل فرهنگ‌سازی درست و مفید به شمار می‌آیند. ذکر این مطلب مفید فایده است که خداوند متعال در آیاتی، نزول تدریجی کل قرآن را برای پیامبر (ص) و مؤمنین مایه تثبیت و تقویت قلب آنان می‌داند. (فرقان / ۳۲؛ نحل / ۱۰۲؛ اسراء / ۱۰۶) و از اینکه خداوند متعال در آیات فوق به نقش تثبیتی و تقویتی بودن کل قرآن تصریح نموده و جداگانه نیز، کارکرد تثبیتی و تقویتی قصص قرآنی را اعلام داشته است (هود / ۱۲۰) فهمیده می‌شود که نقش تثبیتی و تقویتی قصص قرآن، یک نقش و کارکرد خاص و ویژه می‌باشد.

۴-۲. فرهنگ‌سازی از طریق تکریم ارزش‌ها و انسان‌های پاکدامن

قرآن کریم در راستای پیشگیری و مقابله با انحرافات جنسی و پاک‌سازی افراد و جامعه به تناسب موضوع در سوره‌های مکی و مدنی در خلال بیان داستان‌هایی از گذشتگان سعی در فرهنگ‌سازی در خصوص نحوه رابطه زن و مرد در جامعه اسلامی دارد. در این راستا مصادیق و نمونه‌هایی از انسان‌های عقیف و پاکدامن معرفی و زشتی و پلیدی برخی از انحرافات جنسی برای مخاطبان به تصویر کشیده شده است؛ (ر.ک: زاهدی و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۲-۸۲)

الف) حضرت موسی (ع) و دختران شعیب (ع)

قرآن در آیات ۲۳-۲۶ سوره قصص به داستان تعامل و رفتار حضرت موسی (ع) و دختران شعیب (ع) پرداخته است که بر اساس مفاد این آیات در اولین برخوردی که دختران حضرت شعیب (ع) با حضرت موسی (ع) داشتند به این ویژگی حضرت موسی (ع) پی بردند که او هم

انسانی قوی و نیرومند است و هم امین و قابل اعتماد «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ». و از این تعبیر این نکته هم برداشت می‌شود که امین بودن موسی به خاطر ضعف و ناتوانی‌اش نبود؛ بلکه او علی‌رغم قدرت و نیرو، امین و قابل اعتماد بوده است. در همین داستان، حیا و شرم یکی از دختران شعیب (ع) را نیز به تصویر کشیده است که چگونه در مقابل موسی (ع) با کمال شرم و حیا ظاهر می‌شود و شرم و حیای او در راه رفتنش نمود واقعی داشت. از آنجا که شیوه راه رفتن زنان بر جنس مخالف تأثیر منفی می‌گذارد و عفت دیگران را ممکن است خدشه‌دار سازد در آیه دیگری خداوند متعال زنان را از نحوه راه رفتنی که زینت‌های آنان را برای نامحرمان آشکار سازد، نهی نموده است. (نور / ۳۱)

ب) حضرت یوسف (ع)

از میان داستان‌های متعدد در قرآن کریم، تنها داستان حضرت یوسف (ع) به عنوان بهترین داستان، «أحسن القصص» نام‌گذاری شده است که در حوزه‌های مختلف فرهنگی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره برای بشر به ویژه نسل جوان آموزنده و عبرتمند است. آنچه در این داستان مربوط به بحث فرهنگ‌سازی عفت و پاکدامنی می‌شود، جریان تعامل حضرت یوسف (ع) با زلیخا می‌باشد که در این داستان، یوسف (ع) علی‌رغم اینکه برده جوانی بیش نبود که معمولاً زنان آنهم زنی همچون زلیخا، همسر عزیز مصر، به چنین افرادی وقعی نمی‌نهند چه برسد به اینکه شیفته و دلباخته وی گردند؛ اما در این داستان برعکس، زلیخا به عنوان زن عزیز مصر در شهوت خود نسبت به یوسف گرفتار و کاملاً خود را برای کامجویی از یوسف آماده می‌کند اما اسوه عفت و پاکدامنی - یوسف (ع) - کرامت خود، خاندان نبوتش و احسان و نیکی عزیز مصر را فراموش نمی‌کند و با گفتن «معاذالله» از خیانت به عزیز مصر و ظلم به وی، خود و زلیخا سر باز می‌زند. و به برکت اخلاص با خدا و صداقت با عزیز مصر خداوند متعال بدی و فحشا را از او دور می‌سازد و علی‌رغم همه تهدیدات و تحمل مشقت‌های زندان و مکر و نیرنگ‌های زلیخا هرگز به کامجویی نامشروع و انحراف جنسی تن نمی‌دهد. (یوسف / ۲۳-۳۵)

ج) حضرت مریم (ع)

حضرت مریم (ع)، یکی از چهار زن بزرگ عالم هستی است که ویژگی‌های مهمی در قرآن برای ایشان بیان شده و مثلی برای مؤمنین به شمار می‌آید. (تحریم / ۱۲) و از جمله زنان پاک و برگزیده بر جهانیان قرار داده شده است. (آل عمران / ۴۲) و خداوند، خود، بر پاکی و عفت او گواهی داده است. (تحریم / ۱۲؛ انبیاء / ۹۱) و آن حضرت را همچون فرزندش، عیسی (ع)، آیه‌ای برای جهانیان می‌داند و رسول خدا (ص) نیز، از ایشان به عنوان یکی از چهار زنی نام می‌برد که سرور زنان جهانیان می‌باشند. (ابن ابی شیبه، بی‌تا، ۱۲ / ۱۲۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ۱۲ / ۱۱۰) تردیدی نیست که یکی از برجستگی‌های تکریم و تمجید از حضرت مریم (ع)، همان پاکدامنی و

عفت ایشان بوده که در چندین آیه به ذکر آن پرداخته شده است.

د) عباد الرحمن

در سوره فرقان در آیات ۶۳-۷۶ خداوند متعال بندگان خاص خود را با دوازده صفت می-ستاید که بعضی از این صفات به جنبه‌های اعتقادی ارتباط دارند و برخی اخلاقی و پاره‌ای اجتماعی، صفتهایی جنبه فردی دارند و صفتهایی جمعی هستند و روی هم رفته مجموعه‌ای است از والاترین ارزش‌های انسانی. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۴۷) در میان این صفات، وصف مهمی که «عباد الرحمن» با آن مورد تکریم و ستایش قرار گرفته‌اند آن است که دامان عفت خود را آلوده نساخته و مرتکب عمل شنیع «زنا» نمی‌شوند. (فرقان / ۶۸) در سوره مؤمنون نیز، در توصیف و تکریم مومنان اهل فلاح و رستگاری، چندین صفت را برایشان بیان می‌کند که یکی از آنها مربوط به عفت و پاکدامنی است؛ یعنی مومنان اهل سعادت و رستگاری کسانی هستند که یکی از صفاتشان این است که عورت و شرمگاه و ناموس خود را از آلوده شدن به حرام حفظ کنند و از هرگونه عمل حرام و انحراف جنسی پرهیز نمایند. (مؤمنین / ۱-۷) عین همین وصف عقیفی و پاکدامنی، در سوره معارج برای نمازگزاران نیز، تکرار شده است. (معارج / ۲۲-۳۱)

۲-۵. فرهنگ‌سازی از طریق نکوهش ضد ارزش‌ها و ناهنجاری‌ها

شیوه دیگری که قرآن در فرهنگ‌سازی برای سالم ماندن افراد و جامعه از آلوده شدن به انحرافات جنسی در پیش گرفته، نکوهش و تقبیح کسانی است که از مسیر مشروع ارضای غریزه جنسی تجاوز نموده و به انواع انحرافات جنسی آلوده می‌شوند و لذا در آیاتی از قرآن این گروه از انسان‌ها و اعمال شنیعشان مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفته است؛

الف) نکوهش و تقبیح «زنا»

زنا، از جمله گناهان کبیره‌ای است که در آیات و روایات در کنار شرک به خدا، قتل و سرقت ذکر شده است. (فرقان / ۱۸؛ ممتحنه / ۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۵ / ۷۷) و در روایتی آمده است که بعد از شرک به خدا، هیچ گناهی نزد خداوند بزرگ‌تر از نطفه‌ای نیست که انسان در رحم زنی که برای او حلال نیست، قرار دهد. (سیوطی، ۱۴۰۴، ۴ / ۱۸۰) و اوج نکوهش و تقبیح زنا را در این آیه شریفه می‌توان درک نمود آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا». (اسراء / ۳۲) طبق مفاد این آیه، خداوند مؤمنان را از نزدیک شدن به زنا برحذر داشته است «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ» یعنی از مقدمات زنا پرهیزید و به آنها نزدیک نشوید؛ زیرا همان‌گونه که مقدمه واجب، واجب است، مقدمه حرام نیز، حرام می‌باشد. براین اساس، انسان مسلمان باید خود را از چشم‌چرانی، اختلاط با نامحرم، خلوت کردن با نامحرم، نگاه شهوت‌آلود به

نامحرم، نگاه به تصاویر، مناظر و فیلم‌های مبتذل، شرکت در مراسم‌های شهوت‌آلود، لمس نامحرم، بدحجابی و بی‌حجابی و غیره حفظ کند. همچنین سخت‌گیری در امر ازدواج و یا ترک آن از سوی مجردان به دلایل مختلف و در نتیجه فراهم نبودن مقدمات و امکانات ارضای غریزه جنسی از راه مشروع، همگی از عوامل «قرب به زنا» به شمار می‌آیند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰۲-۱۰۳؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ۴/ ۲۲۲۴) بنابراین، زنا از آن رو حرام است و اسلام از نزدیک شدن به آن نهی نموده است که این عمل، کاری زشت «فَاحِشَةٌ» و راه بدی «سَاءَ سَبِيلًا» برای ارضای غریزه جنسی است و عواقب و پیامدهای ناگواری برای فرد، خانواده و جامعه به دنبال دارد. (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۳، ۷/ ۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲/ ۱۰۳-۱۰۴)

در روایتی اثرات مخرب زنا چنین بر شمرده شده است: «فِي الزَّانَا سِتُّ خِصَالٍ: ثَلَاثُ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثُ فِي الْآخِرَةِ: فَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الدُّنْيَا فَيَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ، وَ يَقْطَعُ الرِّزْقَ، وَ يَسْرَعُ الْفِتْنَاءَ. وَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْآخِرَةِ فَمَغْضَبُ الرَّبِّ وَ سُوءُ الْحِسَابِ وَ الدَّخُولُ فِي النَّارِ- أَوْ الْخُلُودُ فِي النَّارِ-» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/ ۶۳۴؛ سیوطی، بی‌تا، ۲۳/ ۴۱۱)؛ در زنا شش خصلت بد وجود دارد؛ سه خصلت آن در دنیا و سه خصلت آن در آخرت است؛ اما آنها که در دنیا خصلت: صفا و نورانیت را از انسان می‌گیرد، روزی را قطع می‌کند و نابودی انسانها را سرعت می‌بخشد. و اما آن سه که در آخرت است: غضب پروردگار، سختی حساب و دخول (یا جاودانگی) در آتش دوزخ می‌باشد.

ب) نکوهش و تقبیح لواط و هم‌جنس‌گرایی

حضرت لوط (ع) از خویشاوندان حضرت ابراهیم (ع) بود و به او ایمان آورد و خداوند او را به سوی قومی فرستاد که شنیع‌ترین نوع انحراف جنسی؛ یعنی هم‌جنس بازی مردان در میان آنها رواج داشت و این قوم به جای ارضای غریزه جنسی از راه مشروع ازدواج با زنان، آن را از طریق ارتباط نامشروع با مردان ارضا می‌کردند. فاحشه و فسادی که تا آن زمان در تاریخ بشر سابقه نداشت (أعراف / ۸۰؛ عنکبوت / ۲۸) خداوند در آیات چندی از این انحراف جنسی آنها به نام «فاحشه» (نمل / ۵۴؛ أعراف / ۸۰؛ عنکبوت / ۲۸) و «خبائث» (أنبياء / ۷۴) یاد می‌کند و قوم لوط را به خاطر ارتکاب این عمل ناپسند به عنوان یک قوم بد فاسق (همان / ۷۴)، قوم مسرف (أعراف / ۸۱) و قوم جاهل (نمل / ۵۵) مورد مذمت و سرزنش قرار می‌دهد و سرانجام آنان را با عذاب آسمانی نابود کرد؛ زیرا آنان به ندهای حضرت لوط (ع) وقعی ننهادند آنگاه که به آنان می‌گفت که شما چگونه مردان را برای ارضای شهوت به جای زنان انتخاب می‌کنید و راه تداوم نسل را از طریق مشروع قطع می‌کنید و در مجالس خود آشکارا عمل منکر و زشت و ناپسند را انجام می‌دهید. (عنکبوت / ۲۹)

ج) نکوهش و تقبیح متجاوزان

قرآن بعد از اینکه در سوره‌های مؤمنون و معارج، مؤمنان و نمازگزاران را به خاطر عفت و

پاکدامنی و پرهیز از هر گونه آلودگی جنسی مورد تکریم و ستایش قرار می‌دهد و ارضای غریزه جنسی را از راه مشروع، به همسران و کنیزان محدود می‌سازد، غیر از این راه را تجاوز و انحراف قلمداد کرده و بدین صورت متجاوزان و منحرفین جنسی را مورد سرزنش قرار می‌دهد: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون / ۵-۷؛ معارج / ۲۹-۳۱)؛ و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند؛ و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند! علامه طباطبایی در ذیل این آیات می‌نویسد: حفظ فروج کنایه از اجتناب از مواقعه نامشروع است، از قبیل زنا و لواط و یا جمع شدن با حیوانات و امثال آن. معنایش این است که مواقعه با زنان خود و یا با کنیزان مملوک، ملامت ندارد. وقتی مقتضای ایمان این شد که به کلی فروج خود را حفظ کنند مگر تنها از دو طایفه از زنان، پس هر کس با غیر این دو طایفه تماس و ارتباط پیدا کند، متجاوز از حدود خدا شناخته می‌شود، حدودی که خدای تعالی برای مؤمنین قرار داده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱ / ۱۵)

۶-۲. استفاده از عرف در فرهنگ‌سازی عفت و پاکدامنی

صرف نظر از مباحثی که درباره عرف و میزان اعتبار آن در کتب اصولی مطرح است، عرف جامعه و دید مردم نسبت به هر عملی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل برانگیزاننده و یا بازدارنده از آن عمل به شمار آید. چنانچه اکثریت مردم یک جامعه رفتار و کرداری را بپسندند این امر موجب گرایش و رغبت بیشتر مردم به انجام آن رفتار و کردار می‌شود و بالعکس در صورتی که رفتار یا کرداری از نظر مردم ناپسند و زشت شمرده شود این امر عامل بازدارنده برای انجام آن عمل توسط دیگران به شمار می‌آید. قرآن کریم با ظرافت خاصی این مقوله را مورد توجه قرار داده و با بهره‌گیری از عرف عام و دیدگاه حداکثری مردم، عفت و پاکدامنی را ستوده و زشتی و پلیدی بی‌عفتی و انحراف جنسی را گوشزد نموده است.

نمونه بارز استفاده از این شیوه برای فرهنگ‌سازی پاکدامنی در قرآن، شماتت و سرزنش زلیخا توسط زنان مصری می‌باشد «وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (یوسف / ۳۰) براساس این آیه و آیات دیگر، وقتی اخبار تمایل و تلاش زلیخا برای کامجویی از یوسف از کاخ به شهر سرایت کرد زنان شهر این خبر را نشر دادند که همسر عزیز با غلامش رابطه پیدا کرده و او را برای کامجویی خود فرا خوانده است و آن چنان عشق غلام بر او چیره شده که اعماق قلبش را تسخیر کرده است و سپس او را با این جمله مورد سرزنش قرار داده که «إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ ما او را در گمراهی آشکار می-

نمونه دیگری که انعکاس دهنده نکوهش و تقبیح عمل فحشاء و بی‌عفتی از جانب عامه مردم و عرف عمومی است و قرآن آن را مطرح ساخته است، واکنش مردم به تولد حضرت عیسی (ع) از جانب حضرت مریم (ع) می‌باشد؛ هرچند این تولد یک معجزه بود اما مردمانی که متوجه این جنبه از این واقعه عظیم نبودند - العیاذبالله - آن را نوعی انحراف جنسی از جانب مریم (ع) قلمداد کرده و لذا به شدت وی را مورد سرزنش و نکوهش قرار دادند، قرآن در این مورد می‌فرماید: «فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا * يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا» (مریم / ۲۷-۲۸)؛ (مریم)؛ در حالی که او (عیسی) را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد، گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره‌ای!».

آری، هنگامی که آنها کودکی نوزاد را در آغوش او دیدند، دهانشان از تعجب باز ماند، آنها که سابقه پاکدامنی مریم را داشتند و آوازه تقوا و کرامت او را شنیده بودند سخت نگران شدند، تا آنجا که بعضی به شک و تردید افتادند، و بعضی دیگر هم که در قضاوت و داوری، عجول بودند زبان به ملامت و سرزنش او گشودند، و گفتند: حیف از آن سابقه درخشان، با این آلودگی! و صد حیف از آن دودمان پاکی که این گونه بدنام شد. "گفتند: ای مریم! تو مسلماً کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی!" (قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا) بعضی به او رو کردند و گفتند "ای خواهر هارون! پدر تو آدم بدی نبود، مادرت نیز هرگز آلودگی نداشت" (يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا). با وجود چنین پدر و مادر پاکی این چه وضعی است که در تو می‌بینیم؟ چه بدی در طریقه پدر و روش مادر دیدی که از آن روی برگرداندی؟! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳ / ۵۰-۵۱) ذکر این نکته لازم است که هدف از ذکر این داستان صرفاً بیان عرف عام و دیدگاه مردم درباره نوع تولد حضرت عیسی (ع) توسط مریم (ع) بود که مایه شگفتی و تعجب همگان بود که از دختر باکره‌ای همچون مریم، پسری متولد شود وگرنه، مقایسه مریم (ع) که مظهر عفت و پاکدامنی و زن برگزیده از جانب خداوند متعال می‌باشد با دیگر زنانی که در خصوص خیانت و انحراف جنسی مورد شماتت و سرزنش قرار گرفته‌اند، هرگز صحیح نیست.

نتیجه‌گیری

۱. یکی از شیوه‌های قرآن جهت فرهنگ‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای خوب در میان افراد، خانواده و جامعه ترغیب و تشویق آنان به رفتار و کردار نیکو و وعده پاداش‌های دنیوی و اخروی متناسب با میزان پایداری آنان بر هنجارهای نیکو می‌باشد که در این صورت، شرایط برای انجام امور ناپسند و انحرافات جنسی مناسب نبوده و فرد و جامعه از آلوده شدن به آنها در امان خواهند ماند. شیوه دیگر قرآن در فرهنگ‌سازی، نکوهش ضد ارزش‌ها و ناهنجاری‌هاست مانند نکوهش و تقبیح کسانی که از مسیر نامشروع به ارضای غریزه جنسی پرداخته و خود را به رذیلت‌های

اخلاقی از قبیل زنا، لواط و مساحقه (هم‌جنس‌گرایی)، چشم‌چرانی، خودارضایی و غیره آلوده می‌سازند.

۲. معرفی الگوهای خوب و متناسب با نیاز بشر در زمینه‌های مختلف، بیان قصص و داستان‌های عبرت‌آمیز گذشتگان و نیز، تکریم ارزش‌ها و انسان‌های پاکدامن شیوه دیگر قرآن در فرهنگ‌سازی جهت مقابله با انحرافات جنسی می‌باشد. قرآن برای جوانان مجرد، داستان حضرت یوسف (ع)، حضرت موسی (ع)، دختران حضرت شعیب (ع) و حضرت مریم (ع) را که نماد پاکی و عفت‌اند، به عنوان الگو معرفی نموده و به تکریم و تمجید از آنان پرداخته است. و از دو الگوی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص) که جامعیت و تاثیرگذاری بیشتری دارند، به عنوان «اسوه حسنه» یاد می‌کند. همچنین عباد الرحمن، مومنان و نمازگزاران بدان جهت که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌اشان عفت و پاکدامنی بوده و مرتکب انحرافات جنسی نمی‌شوند، مورد تکریم و تمجید قرار گرفته‌اند.

۳. قرآن کریم با ظرافت خاصی استفاده از عرف در فرهنگ‌سازی عفت و پاکدامنی را مورد توجه قرار داده و با بهره‌گیری از عرف عام و افکار عمومی، عفت و پاکدامنی را ستوده و زشتی و پلیدی بی‌عفتی و انحرافات جنسی را گوشزد نموده است. نمونه بارز استفاده قرآن از این شیوه برای فرهنگ‌سازی پاکدامنی، شماتت و سرزنش زلیخا توسط زنان مصری و واکنش مردم به تولد حضرت عیسی (ع) از جانب مریم (ع) می‌باشد؛ هر چند این تولد یک معجزه بود اما مردمانی که توان درک این واقعه را نداشتند، آن را نوعی انحراف جنسی از جانب حضرت مریم (ع) قلمداد کرده و لذا به شدت وی را مورد سرزنش و نکوهش قرار دادند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، مصنف ابن ابی شیبیه، تحقیق محمد عوامة، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲. ابن حنبل، احمد، المسند، قاهره، مؤسسه قرطبه، بی‌تا.
۳. ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق حسن عباس زکی، قاهره، بی‌نا، ۱۴۱۹ق.
۴. اخلاقی، عبدالرحیم، «نگاهی به روش تشویق در ایجاد انگیزه از دیدگاه قرآن کریم»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، ش ۱، تابستان، ۱۳۹۰ش: ۱۲۷-۱۵۱.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، بی‌نا، ۱۴۰۹ق.
۶. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۷. زاهدی، عبدالرضا و دیگران، «روش قرآن کریم در نهادهای سازی عفاف و حجاب»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، ش ۴۹، پاییز ۱۳۸۹ش: ۴۹-۱۰۶.
۸. ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، چاپ نوزدهم، تهران، آوای نور، ۱۳۸۷ش.
۹. سید قطب، بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت و قاهره، دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۱۰. سیوطی، جلال الدین، جامع الأحادیث، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۱. _____، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. صدیق سروسستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، چاپ پنجم، تهران، سمت، ۱۳۸۸ش.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی بن عبدالمجید، چاپ دوم، موصل، مکتبه العلوم والحکم، ۱۴۰۴ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۹. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق بکری حیانی و صفوة السقا، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.

۲۰. محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، طهوری، ۱۳۸۶ش.
۲۱. مروتی، سهراب و همکاران، «علل و عوامل انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش: ۹۳-۱۱۳.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۳. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۸ق.
- هاشمی، احمد، «دین، جامعه و انحرافات اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، سال پنجم، ش ۱۸، زمستان ۱۳۸۱ش: ۱۸۳-۲۰۱.